

نقد نظریه ربای تولیدی از دیدگاه رشیدرضا *

Yahyaahmadi.ramchahi@gmail.com

یحیی احمدی (عضو هیئت علمی معهد عالی)

محمد سروی (عضو هیئت علمی معهد عالی)

چکیده

امروزه ربا به یکی از بحث‌های چالشی بسیار مهم در حوزه اقتصاد اسلامی تبدیل شده است. با قرارگرفتن ربا در نظام سرمایه‌گذاری و در پی آن ورود صنعت بانک‌داری به جوامع اسلامی، علماء و اندیشمندان دیدگاه‌های متفاوتی درباره ربا بیان کرده‌اند. گروهی از عالمان هر نوع قرض با بهره را مطلقاً جایز نمی‌دانند و برخی دیگر با تقسیم‌بندی ربای قرضی به دو قسم مصرفی و تولیدی به حلیت ربای تولیدی نظر داده‌اند. رشیدرضا را می‌توان از جمله پیشگامان این نظریه دانست. این جستار در پی آن است که با روش تحلیلی انتقادی براساس منابع روایی اهل سنت، ادعای رشیدرضا مبنی بر حلیت ربای تولیدی را نقل و پس از تبیین آن، مورد نقد قرار دهد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تفاوتی بین ربای مصرفی و تولیدی از لحاظ حکم به حرمت آن دو وجود ندارد. نظام مشارکت^۱ و مضاربه اسلامی^۲ به‌عنوان جایگزین نظام بهره^۳ و ربای سرمایه‌گذاری توصیه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ربای مصرفی، ربای تولیدی، رشیدرضا، سرمایه‌گذاری.

مقدمه

باتوجه به آیات قرآنی و توصیه‌های نبوی مبنی بر قراردادن رباخواران در زمره محاربان با خدا و رسولش، رباخواری در بین مسلمانان از ناپسندترین گناهان به‌شمار می‌رفت تا جایی‌که به‌ندرت در معاملات آنان رباخواری مشاهده می‌شد. اما پس از ورود نظام سرمایه‌گذاری و تأسیس بانک‌ها و استقبال دولتمردان از این مؤسسات مالی، نگاه جامعه و مردم به این قضیه تغییر کرد.

بانک‌ها پس‌اندازهای ریز و درشت مردم را در پروژه‌های اقتصادی به‌جریان می‌انداختند و باعث سازماندهی پول و سرمایه‌های سرگردان آنان می‌شدند و درصدی از سود حاصله را به سپرده‌گذاران پرداخت می‌کردند که باعث رونق اقتصادی خانواده‌ها می‌شد. اما این سودها محصول قرض با بهره بود که ربا قلمداد می‌شد و با معتقدات اسلامی در تناقض بود. به‌عبارت دیگر بین سرمایه‌گذاری مردم و معیشت آنان با اعتقاداتشان سازگاری وجود نداشت. نتیجه این ناسازگاری‌ها و چالش‌ها بین سرمایه‌گذاری بانکی مردم و اعتقادات اسلامی آنها، شدت گرفتن اختلافات پیرامون این نوع معامله بین فقها و اندیشمندان بود. بسیاری از علما این نوع سرمایه‌گذاری را مطلقاً ربا می‌دانستند و مردم را از سپرده‌گذاری و مشارکت منع می‌کردند. از طرف دیگر عده‌ای نیز دست به تقیید زده و آیات و احادیث مربوط به ربا را مقید می‌دانستند و با تقسیم‌بندی ربای قرضی به دو قسم مصرفی و تولیدی به حلیت ربای تولیدی نظر می‌دادند و حرمت ربا را منحصر به ربای مصرفی قلمداد می‌کردند. از این علما می‌توان به شخصیت‌هایی امثال رشیدرضا، مصطفی زرقاء، محمد طنطاوی و معروف الدوالیبی اشاره کرد که معتقد به حلیت ربای تولیدی هستند.

از افراد مذکور، رشیدرضا به عنوان پیشگام این نظریه (تقیید)، آراء و نظریاتش در بین علماء و اندیشمندان توجه بیشتری جلب کرده است. به عنوان مثال می توان کتاب *بحوث فی الربا* از ابوزهره و *ربا القروض و أدلة تحریمه* از رفیق یونس المصری و نیز کتاب *مبحث تحلیلی حول الربا التجاری* از فضل الرحمان نام برد که در این زمینه نگاشته شده است و به برخی از آراء و نظریات رشیدرضا اشاره کرده اند. این آثار، آرای رشیدرضا را در ضمن نظریات فقهاء و دیگران مطرح کرده اند، اما دیدگاه ایشان را به صورت مفصل و مستقل ذکر نکرده اند. علاوه بر این کتاب ها برخی پژوهش ها نیز در این زمینه صورت گرفته است، مانند پژوهش خلیل الله احمدوند و محمد توحیدی با عنوان *نقد نظریه عدم حرمت ربا در قرض های تولیدی و تجاری* و مقاله سید محمد محمودی گلپایگانی با عنوان *نقد و بررسی ربای تولیدی و حلیت ربای تولیدی و انتاجی در بوته نقد و بررسی* نوشته سید احمد محمودی. این پژوهش ها نظریات رشیدرضا را با توجه به منابع روایی شیعه نگاشته اند و آرای وی را از این منظر مورد نقد و بررسی قرار داده اند.

با توجه به پیشینه بیان شده، تاکنون پژوهش مستقلی درباره نقد نظریه تولیدی از دیدگاه رشیدرضا صورت نگرفته است. پژوهش حاضر در پی آن است تا با روش تحلیلی انتقادی براساس تفسیر *المنار* و کتاب *الربا والمعاملات فی الاسلام* رشیدرضا و با توجه به منابع روایی اهل سنت به طرح دیدگاه ایشان درباره ربای تولیدی بپردازد و آن را در بوته نقد و بررسی قرار دهد.

تعریف لغوی ربا

واژه ربا از ماده (رَبَوَ) با فتح و کسر «را» به معنای زیاده و افزوده است. ربا در اصل لغوی به معنای زیادت است. ابن منظور می گوید: «الاصل فیہ الزیادة من ربا المال اذا زاد وارتفع» (ابن منظور، بی تا،

۳۰۴/۱۴). ابن فارس در مقاییس‌اللغه ربا را به دو صورت (ربا و رباء) آورده است که هر دو یک معنا دارد و آن زیادت و رشد و نمو است. (ابن فارس، ۱۳۹۹، ۴۸۳/۲). «ربا المال» یعنی مال رشد کرد و زیاد شد. (همان، ۳۰۵/۱۴). اما راغب اصفهانی معنای لغوی ربا را زیادت بر رأس المال دانسته است نه مطلق زیادت و می‌گوید: «الربا: الزیادة علی رأس المال». (راغب، ۱۴۰۴، ۱۸۷). بنابراین اصطلاح ربا در لغت، عبارت است از مطلق افزوده مالی و غیرمالی.

تعریف اصطلاحی ربا

در شریعت، ربا عبارت است از «زیادت در چیزهایی مخصوص که شریعت آن را تعیین کرده است». یا «افزایش دارایی بدون عوض در معاوضه دارایی با دارایی». (زحیلی، ۱۴۰۵، ۶۶۸/۴). ربا از نگاه قرطبی عبارت است از «زیادی یکی از دو کالای همجنس که هر دو پیمانه‌ای یا وزنی هستند و دیگری در معامله یا قرض‌دادن مالی به شرط زیادت است». (قرطبی، ۱۴۰۵، ۱۲۶/۱۲). برخی ربا را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «بیع یا معاوضه یکی از دو عوض و نیز پیمانه یا وزنی در برابر دیگری با زیادی یکی از آن دو یا قرض‌دادن به شرط زیادت». (جمعی از نویسندگان، دائرة المعارف فقه اسلامی قم، ۱۳۹۲، ۴ / ۲۸۰).

رشیدرضا می‌گوید: ربا عبارت است از «مازادی که در عوض تمدید مهلت پرداخت از بدهکار گرفته می‌شود تا جایی که بارها مهلت، تمدید می‌شود و مازاد، پرداخت مضاعف می‌گردد». (رشیدرضا، المنار، ۱۴۲۳، ۱۱۴/۳-۱۱۳).

ربای مصرفی

در اصطلاح عبارت است از «مالی که به شرط بازپرداخت مبلغی بیشتر از شخصی گرفته

می‌شود تا صرف هزینه‌های زندگی گردد.» (یونس المصری، ۱۴۱۲، ۲۶۰). در این مورد، قرض‌گیرنده به دلیل نیاز مالی برای ادامه زندگی خود ناچار به گرفتن وام می‌شود و از بازپرداخت آن عاجز می‌ماند و در عوض تأخیر در پرداخت، سود مضاعف می‌پردازد. این نوع در نزد همه علماء به عنوان ربا محسوب می‌شود و در تحریم آن خلافتی وجود ندارد.

ربای تولیدی

در اصطلاح عبارت است از «مالی که شخص ثروتمند در تکمیل سرمایه‌گذاری مالی خود برای تجارت، تولید، ساخت‌وساز و غیره از دیگران قرض می‌گیرد، به شرط پرداخت مبلغی بیشتر به قرض‌دهنده در پایان مهلت.» (همان، ۲۷۰). در این مورد، وام‌گیرنده به قصد سرمایه‌گذاری در کار تولیدی از شخص دیگری قرض می‌گیرد و هدفش از این کار سودآوری است و در عین حال شرط می‌کند که مبلغی را به عنوان سود به قرض‌دهنده پرداخت کند. این نوع ربا محل اختلاف علما است که از نظر رشیدرضا پدیده‌ای نو محسوب می‌شود و مشمول احکام و مقررات ربا نیست. (محمودی، ۱۳۹۳، ۱۴۱).

هیچ‌کدام از علماء و فقهای اسلامی، از جمله رشیدرضا در حرمت ربای مصرفی تردیدی نکرده‌اند و بر آن اتفاق نظر دارند؛ لذا به آن پرداخته نمی‌شود. آنچه مورد اختلاف رشیدرضا و دیگران بوده ربای تولیدی است. پس از بیان دیدگاه رشیدرضا درباره این نوع ربا و تبیین آن، نظریه ایشان در بوطه نقد قرار می‌گیرد.

ربا از دیدگاه رشیدرضا

ربا از دیرباز در جزیره العرب رواج داشت. نخست توسط یهودیان و مسیحیان مهاجر، رایج و متداول گردید سپس عرب‌ها به تدریج این روش را از آنان آموختند و آن را در شهرهای بزرگ

خود، مانند مکه و مدینه و طائف گسترش دادند. ربا دارای اقسام مختلفی، مانند نسیئه و معامله سلف (محصولات کشاورزی و دامی) و غیره است که همه این اقسام را می‌توان در دو دسته کلی تصور کرد: قرض همراه با زیادت و تمدید مهلت دین همراه با زیادت. بر این اساس علماء ربا را به دو قسم ربای فضل^۴ و ربای نسیئه^۵ تقسیم‌بندی کرده‌اند و با استناد به آیات و روایات، آنها را مطلقاً حرام دانسته‌اند. (مرکز تعلیمات اسلامی واشنگتن، بی‌تا). اما در سده اخیر و با توسعه انقلاب صنعتی و رویکرد اقتصادی نوین و تأسیس بانک‌ها، مسائل مربوط به ربا بار دیگر بازنگری شده و نظریات متعددی برای برون‌رفت از این مسأله مطرح شده است. ازجمله نظریه‌پردازی که نظریه او براساس کتاب و سنت موردتوجه قرار گرفت، رشیدرضا بود. وی علاوه بر یک مفسر و روشن‌فکر دینی، دارای نظریه‌های شاخص و توجه‌برانگیزی در زمینه مسائل فقهی است که درواقع می‌توان از او به‌عنوان مفسر فقیه یاد کرد. ازجمله آرای فقهی تأمل‌برانگیز او نظریه‌ای است که در قضیه ربا مطرح کرده است. وی در این عرصه آرائی جدید و متفاوت از دیگر فقهاء بیان کرده است. (رشیدرضا، المنار، ۱۴۲۳، ۱۱۴/۳-۱۲۰).

رشیدرضا همه‌نوع ربا را یکسان ندانسته و مراد از ربا در قرآن را ربای جاهلی یا همان ربای نسیئه می‌داند که مربوط به گرفتن زیادت برای تمدید مهلت پرداخت بدهی است و شامل قرض‌هایی با بهره‌ای که در آنها مقدار سود در ابتدای قرارداد شرط شده، نمی‌شود. بنابراین اگر در ابتدای قرارداد قرض، طرفین بر مبلغی اضافه توافق کنند، شامل ربای محرم قرآنی نخواهد بود؛ زیرا ربا از نگاه وی وجود سود برای تمدید مهلت است نه برای اصل قرض. (رک: رشیدرضا، المنار، ۱۴۲۳، ۱۰۲-۹۴ / ۳، رشیدرضا، الربا والمعاملات فی الاسلام، ۱۴۲۸، ۸۵-۸۲).

این تقسیم‌بندی رشیدرضا درباره ربا در اصطلاح فقهای معاصر با عنوان ربای مصرفی و تولیدی

شهرت دارد که این جستار اصطلاح متعارف و متداول فقیهان معاصر را به کار می برد و بر این اساس می توان گفت که وی معتقد به حلیت ربای تولیدی است.

رشیدرضا حرام بودن مطلق را برای ربا مشروع نمی داند و آن را به عنوان ربای محرم نمی پذیرد و می گوید آنچه از آن به ربا یا ربای جاهلی تعبیر می شود یک نوع نیست و دارای انواع گوناگونی است که نمی توان همه آنها را زیر یک حکم قرارداد. وی نظریه خود را نخست در مجله المنار منتشر کرد سپس در تفسیر المنار این موضوع را ذیل آیه ۱۳۰ سوره آل عمران بیان کرد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده اید، ربا را (با سود) چندین برابر مخورید و از خدا پروا کنید، باشد که رستگار شوید.» و در پایان عمر نیز این نظریه را به شکلی مفصل در کتاب الربا والمعاملات فی الاسلام، آورد. (موسویان، ۱۳۹۱، ۲۴۲).

استدلال ها

از نگاه رشیدرضا دلایل حلیت ربای تولیدی را می توان در پنج دلیل عمده گنجانند. در این بخش هر یک از این دلایل را نقل کرده سپس به نقد آنها پرداخته می شود.

استدلال اول: انحصار تحریم ربای مصرفی در صدر اسلام

از نظر رشیدرضا این نوع ربا در عصر نزول قرآن نبوده و از مقتضیات زمان معاصر است و به اشتباه از آن به ربا تعبیر شده است. آنچه قرآن کریم به تحریم آن پرداخته و مورد وعید شدید قرار داده است، ربای جاهلی یا همان ربای نسیئه است. ربای جاهلی عبارت است از مازادی که در عوض تمدید مهلت پرداخت از بدهکار گرفته می شد و گاهی بارها تمدید می شد و بازپرداخت آن چندبرابر می گردید. او در تفسیر المنار چنین بیان می کند: «آنچه از تفسیر آیات

دانسته می‌شود این است که این رخداد دربارهٔ برخی از رباخواران مسلمان قبل از تحریم ربا بوده است و منظور از ربا در آیه، ربای جاهلی است؛ یعنی آنچه از پول که به سبب انشاء یا تأخیر در پرداخت بدهی گرفته می‌شود و اگر مدت مقرر فرا برسد و بدهکار پولی برای پرداخت آن نداشته باشد از صاحب مال می‌خواهد که به او مهلت پرداخت دهد و در مقابل بر مبلغ بدهی بیفزاید و این کار تکرار می‌شود. چیزی که قرآن آن را حرام اعلام کرده این است و نه چیز دیگر.» (رشیدرضا، المنار، ۱۴۲۳، ۳/۱۱۴-۱۱۳). وی همچنین در کتاب *الربا و المعاملات فی الاسلام*، همین استدلال را به تفصیل بیان می‌کند و می‌گوید: «قرض‌های با بهره که مقدار سود آن در ابتدا شرط شده اشکالی ندارد؛ زیرا در ربای جاهلی سود برای تمدید مهلت است نه مازاد بر اصل قرض.» (رشیدرضا، *الربا و المعاملات فی الاسلام*، ۱۴۲۸، ۱۳۷).

نقد و بررسی

برای نقد و بررسی این نظریه، بحث و تحقیق از ماهیت ربای جاهلی (ربای رایج میان عرب‌ها در عصر نزول) از اهمیت به‌سزایی برخوردار است؛ زیرا صاحب المنار مدعی است که در عصر تشریع، نوعی ربا وجود داشته که خطاب تحریم قرآن متوجه آن نوع است. بنابراین برای نقد و بررسی این دیدگاه ضرورت دارد که فعالیت‌های اقتصادی و تجاری مردم جزیره العرب به ویژه قریش کنکاش شود تا از این مجرا صحت و سقم این ادعا روشن‌تر شود.

تجار جزیره العرب برای تهیهٔ سرمایهٔ تجاری خود از دو روش مضاربه^۱ و رباخواری استفاده می‌کردند. در مضاربه که به آن قراض نیز می‌گفتند خسارت احتمالی به‌عهدهٔ مالک بود و سود برحسب توافق طرفین تقسیم می‌شد و رباخواری هم از طریق وام‌دادن به افراد و نیز از طریق وام‌دادن به بازرگانان و تجار صورت می‌گرفت. (طبری، ۱۳۸۷، ۲۰۱۰، ۳۴۳/۲).

در این میان نیز ثروت اندوزی بازرگانان جزیره العرب از طریق قرض دادن به نیازمندان به ندرت صورت می گرفت؛ زیرا عرب ها زندگی ابتدایی و ساده ای داشتند و تنوع نیازها در بین آنان وجود نداشت و امکان دستیابی به ضروریات اولیه، مانند خرما، شیر، کشک، گوشت، پوست، مو و غیره... برای اکثریت کار دشواری نبود و افراد اندکی توانایی فراهم کردن این نیازمندی ها را نداشتند. از طرف دیگر، اکثریت ثروتمندان و تجار عرب که به بذل و بخشش و کرم مشهور بودند، کسب درآمد از طریق قرض دادن به نیازمندان را امری نکوهیده می دانستند و ثروت خود را از راه مضاربه یا وام دادن به بازرگانان کسب می کردند. وقایع تاریخی نیز نشان می دهد که سوداگران ربوی، همچون عباس بن عبدالمطلب، به تاجران قرض می دادند نه مستمندان. به عبارت دیگر قرض های آنان بیشتر جنبه انتاجی (تولیدی) داشته است تا مصرفی. (ر.ک: ابن رشد، ۱۹۹۵، ۲/۱۰۶).

علاوه بر این، دو واقعه دیگر نیز مؤید این ادعا است که ربای جاهلی منحصر در ربای مصرفی نیست. واقعه اول، حمله رسول الله (صلی الله علیه وسلم) به قافله غیرقریش که حامل اموال قریشیان بود و آن را از طریق مضاربه و بهره ربوی در اختیار داشتند. واقعه دوم، قرض گرفتن بنی مغیره از قبیله بنی ثقیف است که مطابق شأن نزول، بنی مغیره بازرگانی بودند که برای نیازهای مصرفی قرض نمی کردند، بلکه قرض گرفتن آنان به جهت کسب درآمد بود. (ابوزه، ۱۹۹۹، ۳۵).

بنابراین برخلاف آنچه رشیدرضا می پندارد، گرفتن وام به منظور به کارگیری آن در امور تولیدی بین عرب های جاهلی مرسوم بوده و اختصاص به ربای مصرفی نداشته است.

استدلال دوم؛ اختصاص آیات ربا به قرض های مصرفی

یکی دیگر از پایه های ادله رشیدرضا، نظریه اختصاص ربای محرم به ربای مصرفی در

آیات قرآنی است که در مباحث ربا بدان استناد می‌کند. وی معتقد است که دلالت حرمت ربا نسبت به مصداق و موارد آن دلالت اجمالی است و بر حرمت تمامی انواع قرض، اعم از تولیدی و مصرفی دلالت ندارد و به‌طور قطع ربای مصرفی است. وی آیات ربا را از این زاویه بررسی می‌کند.

۲،۱. آیه ۱۳۰ سورة آل عمران

خداوند بعد از تحریم ضمنی ربا در سورة روم، مؤمنان را صراحتاً از رباخواری باز می‌دارد و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا را [با سود] چندین برابر مخورید و از خدا پروا کنید، باشد که رستگار شوید.» این آیه نوع ربای محرم را ربای جاهلی به حساب می‌آورد که در مقابل تمديد مدت از وام‌گیرنده گرفته می‌شود. رشیدرضا در این آیه، ربای منهی عنه را ربای مؤجل یا همان ربای جاهلی می‌داند و لاغیر.

وی در تفسیر المنار بر این نکته تأکید داشته و می‌گوید: «اسلام کسب درآمد و ازدیاد ثروت از طریق تمديد مدت بدهی را از کارهای جاهلی به حساب می‌آورد و به‌شدت آن را نهی می‌کند.» (رشیدرضا، المنار، ۱۴۲۳، ۱۳۲/۳).

۲،۲. آیه ۲۷۵ سورة بقره

وی همچنین با استناد به آیه «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا» دلالت آیه را که شامل تحریم ربای مصرفی و تولیدی می‌شود، مجمل دانسته است و قدر متیقن آن را که حرمت ربای مصرفی است در نظر دارد. به این دلیل که این نوع ربا در عصر نزول رایج بوده است. (رک: همان، ۱۰۸-۱۱۴).

۲،۳. آیات ۲۷۸ و ۲۷۹ بقره

رشیدرضا علت تحریم ربا را ظلم می‌داند. خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾ ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است را واگذارید. و اگر چنین نکردید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده وی برخاسته‌اید و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما از خودتان است، نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید.» از نگاه وی این ظلم در ربای مصرفی متصور است، اما در ربای تولیدی چنین نیست؛ زیرا طرفین از این معامله سود می‌برند. وی این معامله را نه تنها ظلم نمی‌شمارد، بلکه از مصادیق عدالت می‌داند و با نوعی استنکار و شگفتی می‌گوید: این چه ظلمی است که هم ظالم (قرض‌دهنده) از آن خوشحال است و هم مظلوم (قرض‌گیرنده). (همان، ۱۱۶/۳).

نقد و بررسی

با توجه به آیات مذکور، آنچه از کلام رشیدرضا برداشت می‌شود این است که نظریات وی بر دو پایه اساسی استوار است؛ ربای محرم در قرآن ربای جاهلی است. خطاب تحریمی قرآن به صورت اجمال وارد شده که قدر متیقن و مسلم آن ربای رایج در بین عرب‌ها یا به اصطلاح، مصرفی است. درباره نظریه نخست، انحصار تحریم ربای مصرفی در صدر اسلام در دیدگاه اول، به آن پاسخ داده شد و بیان گردید که ربای محرم منحصر در ربای مصرفی نیست و در عصر نزول نوع دیگری از ربا همچون ربای تولیدی وجود داشته است. (ر.ک: همین مقاله، ۱۵).

براساس آنچه بیان شد، برداشت رشیدرضا مبنی بر مجمل بودن و انحصار ربا در ربای مصرفی از آیه ۱۳۰ آل عمران، دلیل قانع‌کننده‌ای برای حلیت ربای تولیدی نیست. چنانکه بیان

شد، هر دو قسم ربا در زمان جاهلیت و عصر طلوع اسلام وجود داشته است. بنابراین در دلالت و ظهور آیات مشکلی وجود ندارد تا نیاز به قدر مسلم از مدلول آیه باشد. درحالی‌که قدر مسلم و متیقن از مدلول در صورتی صحیح است که در معنای قطعی، اجمال و ابهام وجود داشته باشد. (محمودی گلیاگانی، ۱۳۸۴، ۱۲۹).

اما در ارتباط با آیه ۲۷۹ سوره بقره، رشیدرضا مبنای تحریم ربا را ظلم می‌داند. چنانچه بر طبق ادعای وی ظلم، علت حکم باشد، این علت را می‌توان در بعضی از موارد ربای تولیدی نیز یافت. شخصی که پول را برای تولید قرض می‌کند، احتمال ضررکردن یا ورشکست شدن او وجود دارد و قرض‌دهنده به سود یا زیان عامل توجهی ندارد و در هر حالت باید هم اصل پول و هم سود آن را برگرداند. از طرفی ربا در بعضی از قرض‌های مصرفی ظلم نیست، مانند شخصی که برای خرید منزل یا وسیله نقلیه یا دیگر وسایل مصرفی قرض می‌گیرد و به راحتی می‌تواند بهره آن را بپردازد و از مسکن یا وسیله نقلیه استفاده کرده و از زیان‌های ناشی از تورم هم جلوگیری کند. علاوه بر این، آیه فقط می‌گوید: اگر ربا نگیرید ظلم نکرده‌اید و نقیض سالبه کلیه، موجه جزیه است؛ یعنی نقیض آیه چنین می‌شود: اگر ربا بگیرید فی‌الجمله ظلم در آن وجود دارد، اما اینکه علتش ظلم باشد و همواره در آن ظلم وجود داشته باشد، ثابت نیست. (محمودی کرجی، ۱۳۸۸، ۱۹۵).

استدلال سوم: اختصاص روایات ربا به قرض‌های مصرفی

رشیدرضا در تفسیر خود علاوه بر مجمل‌دانستن آیات حلیت ربای تولیدی و حرمت ربای مصرفی، مدعی است که این اجمال در روایات نیز وجود دارد. (رشیدرضا، المنار، ۱۴۲۳، ۱۱۳/۳). در کتاب‌های روایی اهل سنت در باب ربا، احادیثی نقل شده است که از معامله ربوی منع می‌کند

و انسان را از انجام این معاملات برحذر می‌دارد؛ مانند «ألا أن كل ربا من ربا الجاهلية موضوع، فلکم رؤوس أموالکم لا تظلمون ولا تظلمون» ترجمه: «آگاه باشید که قطعاً تمامی ربای جاهلیت باطل است. سرمایه‌های شما از آن خودتان است. (در این صورت) نه ستم می‌کنید و نه بر شما ستم می‌شود.» (ابوداود، ۱۴۳۰، ۳۳۳/۵). همچنین روایت: «الربا فی النسبة» (مسلم، ۱۴۲۰، ۱۲۱۸/۳). از نگاه وی این روایات بر روایات قرض دلالت نداشته و نسبت به ربای مصرفی اجمال دارند. جمهور اهل سنت، روایات مربوط به ربا را به دو دسته ربای نسیئه و ربای فضل تقسیم می‌کنند و هر دو را حرام می‌دانند، اما رشیدرضا با توجه به حدیث وارد شده «انما الربا فی النسبة» و استدلال به اقوال صحابه، مانند ابن عمر و اسامه بن زید، ربای فضل را حرام نمی‌داند و آن را مانند ابن قیم سدّ ذریعه‌ای^۶ برای ربای نسیئه قرار می‌دهد و آن را در زمان نیاز، مانند بیع عرایا^۷ مباح می‌داند. (ابن قیم، ۱۴۲۳، ۵۸/۵). او به حدیث ابی سعید خدری (رضی الله عنه) استدلال می‌کند: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «لا تبیع الدرهم بالدرهمین فانّی اخاف علیکم الرّمی ای الرّبا» ترجمه: «یک درهم را به دو درهم نفروشید، زیرا بر شما از رمی، یعنی ربا می‌ترسم.» یا به عبارت دیگر، ربا نزد وی یک نوع و آن ربای نسیه (ربای جاهلی) است. (رشیدرضا، المنار، ۱۴۲۳، ۱۲۴/۴-۱۲۵).

نقد و بررسی

به طور کلی آنچه رشیدرضا در مبحث روایات درباره حلیت ربای تولیدی بیان می‌کند، بر دو محور استوار است: محور اول، اجمال روایات. وی معتقد است همان گونه که خطاب آیات در تحریم ربا اجمال دارند در روایات نیز این گونه است. محور دوم، وی ربای فضل را به عنوان ربای مستقل نمی‌شناسد و نزد او اصل، ربای نسیئه است و ربای فضل را سدّ ذریعه برای ربای

نسیئه می‌داند که ممکن است در صورت نیاز، مانند بیع عرایا جایز باشد. (همان، ۱۲۷/۴).

در ارتباط با ادعای اجمال در روایات، همانند ادعای اجمال در آیات از نظر معنا و مفهوم و دلالت بر حرمت، هیچ اجمالی ندارند؛ زیرا عرب‌ها معنا و مفهوم و مصادیق ربای رایج در زمان خود را می‌شناختند و روایات تحریم را بر همان معنا و مفهوم حمل می‌کردند. هیچ‌کدام از مسلمانان مخصوصاً صحابه از معنا و مفهوم ربا از رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) سؤال نکرده‌اند و این بدان معنا است که آنها مقصود ربا را می‌دانستند و هیچ‌گونه ابهام و اجمالی نسبت به آن نداشتند. علاوه بر آن، روایاتی مانند قرض گرفتن بنی‌مغیره از بنی‌ثقیف دلالت صریح و واضح بر وجود ربای تولیدی دارد. بنی‌ثقیف در جاهلیت از عباس بن عبدالمطلب و خالد بن ولید قرض ربوی می‌گرفتند و به قبایل دیگر از جمله بنی‌مغیره قرض می‌دادند. در زمان اسلام آوردن بنی‌ثقیف، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وسلم) درخواست ابطال قراردادهای ربوی بین آنان و قبایل دیگر را شرط مصالحه آنها قرار داد که در نهایت آن را پذیرفتند. (همان، ۱۲۹/۴).

جریان قرض دادن بنی‌ثقیف و مصالحه آنها نشان می‌دهد که بنی‌ثقیف برای نیازهای مصرفی قرض نمی‌کردند، بلکه قرض آنان از نوع تجاری بود که با دریافت سود به قبایل دیگر، قرض می‌دادند که این دال بر عدم انحصار حرمت ربای مصرفی است. اما دربارهٔ محور دوم؛ عدم استقلال ربای فضل از ربای نسیئه، نکته‌ای که به نظر می‌رسد رشیدرضا بدان توجه نکرده است، تفاوت بین ربای نسیئه و انساء^۸ است. ربای نسیئه در قروض صورت می‌گیرد، اما انساء در بیوع انجام می‌شود. در ربای نسیئه تمدید مهلت همراه با زیادت وجود دارد، اما در انساء در مقابل تمدید مهلت، مازادی دریافت نمی‌شود. آنچه باعث اشتباه در فهم معنای ربای فضل در نزد رشیدرضا شده است آن است که ربای فضل را به معنای ربای بیوع دانسته است؛ در صورتی که

ربای فضل، بیشتر در مبادلات خاص همچون عوض کردن طلا با طلا یا نقره با نقره و غیره است؛ اما ربای بیوع شامل تمامی معاملات در قرض است. (ر.ک: یونس المصری، ۱۴۱۲، ۳۰۷-۳۰۸). لذا استدلال رشیدرضا بر مستقل نبودن ربای فضل صحیح نیست و به همین خاطر جمهور علماء با استناد به احادیث وارده معتقد به استقلال ربای فضل از نسیئه هستند.

استدلال چهارم: تقیید حکم ربا به هدف وام گیرنده

رشیدرضا با تقسیم بندی ربا به ربای مصرفی و تولیدی، هدف قرض گیرنده را در حکم ربوی بودن یا ربوی نبودن مؤثر می داند و بیان می کند که اگر به قصد مصرف شخصی یا هزینه های زندگی قرض گرفته باشد پرداخت مازاد، ربا محسوب می شود و چنانچه به هدف تجارت و کسب درآمد باشد در حکم ربا نیست. زیرا در قضیه اول، ظلم به وام گیرنده متصور است و در مورد دوم چنین ظلمی وجود ندارد. علت تشریع حرمت ربا ظلم است و از آنجاکه این علت در ربای تولیدی وجود ندارد، حکم حرمت شامل آن نمی شود. خداوند می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾ (بقره، ۲۷۸-۲۷۹) ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید و اگر چنین نکردید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده وی برخاسته اید و اگر توبه کنید، سرمایه های شما از خودتان است. نه ستم می کنید و نه ستم می بینید.» مطابق نظریه وی، این آیات ظلم را علت حرمت ربا دانسته است و این ظلم در قرض های تولیدی متصور نیست؛ زیرا قرض گیرنده با استفاده از پول و سرمایه قرض دهنده، سود فراوان عائدش می شود و پرداخت مقداری از این سود به صاحب مال ظلم به شمار نمی رود. ولی این ظلم در ربای مصرفی وجود دارد؛ زیرا شخصی که برای تأمین

معیشت خود قرض می‌گیرد و بدهکار می‌شود، بدیهی است که پرداخت مازاد، چیزی جز افزودن بر مشکلات او نیست و این عین ظلم و ستم است. (رشیدرضا، الربا والمعاملات فی الاسلام، ۱۴۲۸، ۱۴۸).

نقد و بررسی

آنچه از کلام رشیدرضا دانسته می‌شود این است که وی هدف وام‌گیرنده را در ربوی بودن یا ربوی نبودن دخیل می‌داند. درحالی‌که چنین تقییدی در آیات و احادیث وجود ندارد. آیاتی که در حرمت ربا نازل گردیده است، واژه ربا را به صورت مطلق بیان کرده است. خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (بقره، ۲۷۸) ترجمه: «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است، واگذارید.» کلمه «الربا» در این آیه و همچنین در آیات دیگر، مانند ۲۷۵ و ۲۷۶ بقره و ۱۳۰ آل عمران، بدون قید و شرط آمده است. همچنین روایاتی که درباره ربا نقل شده است، حرمت ربا را به صورت کلی بیان کرده است. در حدیث آمده است: «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وسلم) أَكْلَ الرِّبَا وَمَوَاطِنَهُ وَكَاتِبَهُ وَشَاهِدِيَهُ» ترجمه: «رسول‌الله (صلى الله عليه وسلم) گیرنده و پرداخت‌کننده ربا و نویسنده و دو نفر شاهد آن را لعنت کرد.» (مسلم، ۱۴۲۰، ۱۲۱۹/۳). در این حدیث واژه «الربا» بدون قید هدف یا موارد دیگر بیان شده است. بر این اساس با توجه به عموم الفاظ ربا در قرآن و سنت، ادعای رشیدرضا مبنی بر مقید بودن حکم به هدف وام‌گیرنده صحیح نیست.

استدلال پنجم: عدم مغایرت ربای تولیدی با فلسفه تحریم ربا

مبانی فلسفی و عقلی از دیگر مبانی مورد استدلال رشیدرضا در جواز ربای تولیدی است. وی با توجه به آیات و احادیث، فلسفه حرمت ربا را ظلم بودن آن، مال مردم را به ناحق خوردن،

اندوخته شدن ثروت در دست طبقه خاص و استثمار می‌شمارد. اما این نوع فلسفه در ربای تولیدی متصور نیست، لذا حکم حرمت شامل آن نمی‌شود. (رشیدرضا، المنار، ۱۴۲۳، ۴/۱۲۹-۱۲۶).

نقد و بررسی

در رابطه با ظلم دانستن ربای مصرفی می‌توان گفت، اگر در آیات تحریم ربا ظلم علت حکم باشد، این علت در بسیاری از موارد از جمله ربای تولیدی نیز وجود دارد. شخصی که پول را برای تولید قرض می‌دهد، سود و زیان عامل، تأثیری در بازپرداخت سرمایه او ندارد. در هر حال باید هم اصل پول و هم سود آن را برگرداند، حتی اگر ضرر کند یا ورشکسته شود. از طرفی ربا در برخی از قرض‌های مصرفی ظلم نیست، مانند شخصی که برای دکور منزل یا خرید تجملات زندگی قرض می‌گیرد. (محمدی کرجی، ۱۳۸۸، ۱۹۷).

اما در ارتباط با خوردن اموال مردم به باطل که رشیدرضا آن را در حلیت ربای تولیدی متصور نمی‌داند، باید گفت با توجه به آیه ۱۶۱ سوره نساء: ﴿وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ هُمُوا عَنْهُ وَأُكْلِهِمْ أَمْوَالُ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ ترجمه: «و به سبب ربا گرفتنشان با آنکه از آن نهی شده بودند و به ناروا مال مردم خوردنشان، ما برای کافران عذابی دردناک آماده کرده‌ایم.» دو معنا برای (باء) در (بالباطل) متصور است: معنای مقابله یا سببیت. در صورتی که معنای مقابله باشد کلمه (بالباطل) در آیه مذکور به معنای هیچ خواهد بود؛ یعنی استفاده از مالی که در ازای هیچ از کسی گرفته می‌شود، جایز نیست. اگر به معنای سببیت باشد معنای آیه چنین می‌شود: استفاده از مالی که به سبب باطل آمده باشد، جایز نیست. بنابراین در آیه، ربا به عنوان باطل نیامده است بلکه مراد از باطل که همان «اشتراط زیادت» یا «هیچ» در مقابل زیادت است و هر دو، هم در ربای مصرفی و هم در ربای تولیدی موجود است

پس آیه شامل هر دو می‌شود. (صالح علی، ۲۰۰۳، ۱۵۲).

بر فرض قبول باطل به معنای زیادت از کجا می‌توان گفت که قرض‌های تولیدی امر باطلی نیستند. بسیاری از قرض‌های تولیدی باعث فزونی ثروت و بهبود معیشت نمی‌شوند پس باید اینگونه گفت: هر ربای تولیدی که باعث افزایش ثروت شود، بلا اشکال است و اگر باعث افزایش سرمایه نگردد، اشکال دارد. درحالی‌که این شرط هنگام قرض‌دادن، معقول به نظر نمی‌رسد. (یونس المصری، ۱۴۱۲، ۱۰-۹).

نتیجه‌گیری

باتوجه به اهمیت ربا در اسلام و شدت آن در بین سایر محرمات، این موضوع در جامعه معاصر از موارد چالشی اقتصادی به‌شمار می‌رود. در این مقاله، نظریه رشیدرضا به‌عنوان یکی از تئوریسین‌های حلیت ربای تولیدی از نگاه اهل سنت، نقد و بررسی شده است. نظر ایشان مبنی بر جواز به کارگیری ربای تولیدی از دلایل متقنی برخوردار نیست؛ زیرا برخلاف آنچه رشیدرضا بیان می‌دارد، هر دو نوع ربای مصرفی و تولیدی در صدر اسلام وجود داشته است و حکم تحریم به‌طور یکسان شامل آن دو می‌شود. همچنین دلالت آیات و روایات از نظر معنا و مفهوم و حرمت، اجمالی ندارد.

برخلاف ادعای رشیدرضا که ظلم را به‌عنوان فلسفه تحریم ربا منحصر در ربای مصرفی به حساب می‌آورد، ظلم در هر دو نوع، متصور است و ربای تولیدی همانند ربای مصرفی از مصادیق ظلم و اجحاف محسوب می‌شود. همچنین ادعای رشیدرضا مبنی بر اینکه ربای فضل جنبه مقدمی داشته و سذذریه برای ربای نسیئه است، مخالف رأی جمهور علمای اهل سنت است. جمهور با استناد به احادیث وارده، معتقد به استقلال ربای فضل از نسیئه هستند. آنچه این

امر را بر رشیدرضا مشتبه ساخته، عدم تفاوت بین ربای نسیه از انشاء است. بنابراین مسیر برون رفت از مشکل فراگیری ربا، توجیه نظام ربوی سرمایه گذاری و رنگ و لعاب اسلامی دادن به آن نیست، بلکه تأسیس نظام اقتصادی بر پایه عقود و قراردادهای اسلامی مانند مضاربه و سلم^۹ و غیره است. تهیه و تنظیم راهکارهای اجرایی این طرح و تطبیق آن با کتاب و سنت، برعهده متخصصین علوم اسلامی و اقتصادی است.

پی نوشت

۱. نظام مشارکت: «عبارت است از مشارکت سرمایه گذاران در پروژه‌ای اقتصادی با تعیین میزان مشارکت. در این نظام برخلاف نظام بهره، سرمایه گذار در سود و زیان مشارکت دارد.»
۲. مضاربه: «عقدی است که بین دو نفر منعقد می شود. به این صورت که شخص مال را به دیگری بدهد تا با آن تجارت یا معامله کند و سود حاصله بین هر دو نفر، طبق توافق طرفین تقسیم گردد.»
۳. نظام بهره: «نظامی که در آن رابطه بین قرض دهنده و قرض گیرنده یا سرمایه گذار و عامل، براساس سود و بهره از پیش تعیین شده است. در این نظام مشارکت قرض دهنده یا سرمایه گذار در سود سرمایه و زیان آن است.»
۴. ربای فضل: «عبارت است از معامله دو کالای همجنس به شرط زیادت.»
۵. ربای نسیئه: «عبارت است از دریافت مبلغی مازاد بر قرض از وام گیرنده به ازای تمدید مهلت پرداخت.»
۶. سدّریعه: «به معنای جلوگیری از هر کاری است که به حسب عادت منجر به مفسده می شود؛ مانند جلوگیری از فروش انگور به کارخانه شراب سازی یا فروش اسلحه به کسی که قصد کشتن انسان بی گناهی را دارد.»
۷. بیع عرایا: «معاوضه دو کالای همجنس است که دارای اوصاف و اوزان برابر نیستند؛ مانند مبادله مقدار مشخصی از خرما با مقدار نامعینی از رطب تازه.»
۸. ربای نساء (إنساء): «عبارت است از بیع یا معامله مدت دار همراه با سود. در این نوع معامله برخلاف ربای نسیئه، در مقابل تمدید مهلت، مازادی دریافت نمی شود.»
۹. سلم: «عبارت است از معامله ای که در آن قیمت، نقدی پرداخت می شود و جنس خریداری شده در آینده تهیه

شده و در اختیار مشتری قرار می‌گیرد؛ مانند پیش‌فروش محصولات کشاورزی و غیره.»

منابع

قرآن کریم.

- ابن رشد، محمد بن احمد، **بداية المجتهد و نهاية المقتصد**، بی‌جا، دارالفکر، بیروت، ۱۹۹۵م.
- ابن فارس، احمد، **معجم مقاییس اللغة**، بی‌جا، دارالفکر، بیروت، ۱۳۹۹هـ.
- ابن قیم، أبی عبدالله محمد ابن أبی بکر، **أعلام الموقعین**، بی‌جا، دار ابن جوزی، ریاض، ۱۴۲۳ق.
- ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بی‌جا، دار صادر، بیروت، بی‌تا.
- ابوداود، سلیمان بن الاشعث، **سنن أبوداود**، تحقیق: شعیب الارنؤوط و محمد کامل قره، بی‌جا، دارالرساله العالمیه، دمشق، ۱۴۳۰ق.
- ابوزهره، محمد، **بحوث فی الربا**، بی‌جا، دارالفکر العربی، مصر، ۱۹۹۹م.
- جمعی از نویسندگان، **دائرة المعارف فقه اسلامی، قم**، بی‌جا، بی‌نا، بی‌جا، ۱۳۹۲ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن مجد، **المفردات فی غریب القرآن**، بی‌جا، نشر الکتاب، تهران، ۱۴۰۴ق.
- رشیدرضا، محمد، **الربا و المعاملات فی الاسلام**، بی‌جا، دارالسلام، قاهره، ۱۴۲۸ هـ، ۲۰۰۷م.
- _____، **تفسیر المنار**، بی‌جا، دارالکتب العلمیه، مصر، ۱۴۲۳هـ.
- زحیلی، وهبه، **الفقه الاسلامی و ادلته**، چاپ دوم، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۵ق.
- صالح علی، **اثر الربا فی القروض الانتاجیه فی الاقتصاد الاسلامی**، بی‌جا، مجله جامعه دمشق، بی‌جا، ۲۰۰۳م.
- طبری، محمد بن جریر، **تاریخ طبری**، بی‌جا، دارالتراث، بیروت، ۱۳۸۷هـ، ۲۰۱۰م.
- قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد، **الجامع لاحکام القرآن**، بی‌جا، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۵ق.
- محمودی کرچی، رضا، **نقد ربای تولیدی**، بی‌جا، مجله فقه اهل بیت، سایت www.sid.ir، ۱۳۸۸ هـ.
- محمودی گلپایگانی، سید محمد، **نقد و بررسی ربای تولیدی**، پژوهش‌های دینی، سال اول، شماره سوم، زمستان ۱۳۸۴ش.
- محمودی، سید احمد، **حلیت ربای تولیدی و انتاجی در بوته نقد و بررسی**، فقه و حقوق اسلامی، سال چهارم،

شماره ۸، بهار و زمستان ۱۳۹۳ش.

مرکز تعلیمات اسلامی واشنگتن، ربا در قرآن و سنت، ترجمه پژوهش قم، سایت www.ketab.iec.md.org، بی تا.

مسلم، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، چاپ سوم، دارالنیل، دمشق، ۱۴۲۰هـ.
موسویان، سید عباس، نقد دیدگاه معاصر درباره ربا، کتاب نقد، سال چهاردهم و پانزدهم، شماره ۶۶-۶۵، زمستان ۱۳۹۱ش.

یونس المصری، رفیق، الجامع فی اصول الربا، بی چا، دارالقلم، دمشق، ۱۴۱۲ق.

ملخص المقالات

إعادة النظر إلى الرّبا الانتاجي من وجهة نظر رشيدرضا *

يحيى احمدى (عضو هيئة التدريس بالمعهد العالي)

Yahyaahmadi.ramchahi@gmail.com

محمد سرورى (عضو هيئة التدريس بالمعهد العالي)

الملخص

أصبح اليوم موضوع الرّبا من أهم التحديات في مجال الاقتصاد الإسلامي. فمع إدراج الرّبا في النظام الإستثمار وبالتالي دخول الصناعة المصرفية إلى المجتمعات الإسلامية، بيّن العلماء والمفكرون آراء مختلفة حول الرّبا؛ فبعضهم لا يعتبرون أي نوع من القروض بفائدة مباحا إطلاقا، وقد علق البعض الآخر منهم على حلبة الرّبا الإنتاجي بعد تقسيمهم ربا القرض إلى نوعين من الاستهلاكى والإنتاجي. يعتبر رشيدرضا من اهم رواد هذه النظرية. يهدف هذا المقال إلى اعتقاد رشيدرضا حول حل الرّبا الإنتاجي بأسلوب تحليلي نقدي مبني على المصادر الحديثة لأهل السنة. وتشير نتائج البحث إلى أنه لا فرق بين ربا الاستهلاكى وربا الإنتاجي في حكم حرمتهما. كما أنها توصى إلى عقد المشاركة والمضاربة الإسلامية كبديل لنظام الفائدة والرّبا الإستثمارى.

الكلمات المفتاحية: الرّبا الاستهلاكى، الرّبا الإنتاجي، رشيدرضا، الإستثمار.

Abstracts

Criticism of the production usury theory from Rashid Reza's point of view

yahya ahmadi ramchahi
Mohammad Sarvi

Yahyaahmadi.ramchahi@gmail.com

Abstract

Today, one of the most important challenges in the field of Islamic economics is usury. As a result of the inclusion of usury in the capitalist system and the entry of the banking industry into Islamic societies, scholars, and thinkers have provided different views about usury. A group of scholars does not consider any type of loan with interest permissible, and some others have allowed loan usury by its dividing it into two types of consumption and production. Rashidreza can be considered among the pioneers of this theory. This essay aims to quote Rashidreza's claim about the lawfulness of production usury with a critical analytical method based on Sunni narrative sources and criticize it after explaining it. The findings of the research indicate that there is no difference between consumption and production usury in terms of the ruling on their illegality. The Islamic system of participation and mudarabah is recommended as an alternative to the interest and usury system of capitalism.

Keywords: usury, consumption, production, Rashidreza, capitalism